

# امکان سنجی بانکداری بین‌المللی

(بخش دوم)

ترجمه و گردآوری از: الهام میرتهامی  
پژوهشگر پژوهشکده امور اقتصادی

## اشاره

در بخش نخست این مقاله، به نقش بانکها در جامعه و مناسبات نهادی ناظر بر سیستم بانکی و انگیزه دولت‌ها در زمینه حمایت از سیستم بانکداری پرداختیم، و اینک ادامه بحث.

## بانک و اقتصاد

## ترس از شکست

طی ۱۵ سال گذشته یا بیشتر، نگرانی عمده اقتصادهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه، توانایی سیستم مالی در برابر شوک‌هایی چون سقوط بازار بورس، بحران‌های ارزی یا حملات تروریستی بوده است. در راستای محافظت سیستم‌های بانکی در برابر چنین شوک‌های نظام‌مندی، ناظران و کنترل‌کنندگان سیستم بانکداری، بانکها را ملزم به خواباندن سرمایه تعدیلی (Cushion of Regulatory Capital) می‌کنند، به طوری که بانکها با این روش نسبت به بیشتر نهادهای مالی که تحت نظارت اندکی هستند، هزینه‌های بالاتری دارند، اما در مقابل، امتیازاتی نیز دارند، از قبیل بیمه سپرده و دسترسی به پنجره تنزیل (استقراض از بانک

مرکزی) تحت پیمان پایاپای بین بانکها و نهادهای نظارتی.

سیستم‌های پشتیبانی (Backup) بانکها و برنامه‌ها و روش‌های ذخیره‌گیری سرمایه در این راستا می‌تواند تضمین مهمی بشمار آید. بسیاری از بزرگترین بانک‌های جهان، از قدرت بی‌نهایت، سرمایه فراوان و سابقه طولانی در کسب منافع بسیار برخوردار هستند. بدون تردید، بخشی از این توفیق ناشی از انتقال ریسک به موسسات مالی دیگر چون صندوق‌های تامین سرمایه‌گذاری، شرکت‌های سهامی خصوصی، شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی مالی می‌باشد. در ۲۰ سال گذشته، بانکها در جلوگیری از تجمع ریسک (Unbundling Risk) به مهارت‌های بسیاری دست یافته‌اند، به طوری که اکنون می‌توانند چیزهایی

ناظران همیشه باید از خود پرسند که آیا بازارها و موسساتی که تحت نظرشان است، تا حد امکان در زمینه توزیع دارایی‌ها منصفانه عمل می‌کنند یا خیر؟

را که می‌خواهند، حفظ کنند و آنهایی را که نمی‌خواهند، به جاهای دیگر سیستم انتقال دهند. این عملکرد بانکها معمولاً مورد تحسین ناظران و بازارها قرار می‌گیرد. روش‌های معمول بانکها در این راستا عبارتند از: تغییرات ناگهانی در نرخ بهره، اوراق مشتقه، پول رایج، سهام متعارفی، کالای آینده (Commodity Future) و اوراق بهادار با پشتوانه دارایی. همچنین بسیاری از این ریسک‌ها در پرتفولیوی شرکت‌های بیمه و صندوق‌های بازنشستگی و تعاونی پدیدار می‌شوند.

شاید بزرگترین نوآوری در ۱۰ سال گذشته، همانا جلوگیری از تجمع ریسک اعتباری از سوی بانکهاست. در واقع، توانایی بانکها در فروش وام یا انتقال ریسک آن به شکل اوراق مشتقه اعتباری، آنها را قادر می‌سازد تا رویه کسب و کار خود را تغییر دهند. در طول تاریخ، ریسک اعتباری عاملی برای ناتوانی در بیشتر بانکها بوده است، اما چه خواهد شد اگر بانکها بخشی از حجم مالی را که مجموعه عظیمی از ریسک‌های اعتباری را دربردارد، به دیگری انتقال دهند؟ در بررسی بخش مالی بین‌الملل صندوق بین‌المللی پول در میان سه گروه شرکت‌های بیمه (با

توجه به بیمه عمر، بازنشستگی و خانوارها)، این نتیجه به دست آمد که در هر مرحله، نهایتاً بیشترین ریسک متوجه خانوارها می‌شود. از آنجایی که خانوارها احتمالاً فرصت، علاقه یا توانایی ارزیابی پیامدهای بانکی را ندارند و مشاوران مالی نیز در توجیه تولیدات مالی پیچیده برای آنها کوتاهی می‌کنند، پس تنها امید باقیمانده این است که سیاستگذاران (اعم از ناظران و یا کنترل‌کنندگان سیستم‌های بانکی) آموزش و مشاوره لازم را در زمینه مدیریت ریسک مالی در اختیار خانوارها قرار دهند و با نظارت صحیح و مستمر بر عملیات بانکی، تحقق این امر مهم را تسریع بخشند. دولت نیز اگر به تحقق این هدف نهایی و مهم همت گمارد، بالتبع، عملکرد سیاست عمومی در سیستم‌های بانکداری و بازارهای سرمایه تحت بررسی دقیق قرار می‌گیرد و پیامدهای خوبی را به همراه خواهد آورد.

**اصل بنیادین کمیته بال دایر بر آن است که یک بانک بایستی دارای سطحی از سرمایه باشد که بتواند از آن در برابر شوک‌های غیرمنتظره محافظت کند.**

### سیاستگذاران و ناظران سیستم‌های بانکی چه کسانی هستند؟

امنیت و سلامت بانک‌ها اولین اولویت برای ناظران است و حتی اقتصاددانان نیز تنها کل چرخه منابع مالی از قبیل پس‌اندازکنندگان، بانک‌های شعبه‌ای، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، وام‌گیرندگان و توزیع‌کنندگان بدهی، بازارهای سرمایه، صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های بیمه را در نظر می‌گیرند و حمایت از پس‌اندازکنندگان و مصرف‌کنندگان خدمات مالی را مورد تاکید قرار می‌دهند. اما ناظران بایستی دیدگاه جامعتری را نیز پدید آورند و در جستجوی این باشند که نحوه عملکرد موثر بانک‌ها و بازارهای مالی چیست؟ و همچنین منافع آنها در جهت چه کسانی حرکت می‌کند؟

ناظران بایستی قوت و سلامت بانک‌های تحت نظارتشان را حفظ کنند و از آنها در برابر اجبار برای رقابت داخلی یا خارجی حمایت نمایند. در این مورد، می‌توان دو حالت را در نظر گرفت: یکی اینکه، اگر

بانک‌ها از حمایت بسیار زیادی برخوردار شوند، انگیزه کمتری برای رقابت (از نقطه نظر قیمت‌ها و کیفیت منابع مالی) با دیگر بانک‌ها و یا حتی بانک‌های غیردولتی که خدمات مشابهی را ارائه می‌دهند، دارند؛ دوم اینکه، اگر بانک‌ها از حمایت بسیار اندکی برخوردار شوند، ممکن است از روی بی‌احتیاطی به رقابت بیردازد و خود و یا شاید کل سیستم بانکداری را به نابودی بکشانند. در حال حاضر، با توجه به این که بیشتر بانک‌ها تحت نظارت‌های شدید عمل می‌کنند، پاسخ به این سوال که تا چه اندازه رقابت در محیط بسیار لیبرال می‌تواند مفید واقع شود؟ بسیار دشوار است.

ناظران همچنین بایستی بدانند که آنها موظفند مطابق مقررات قانونی در مورد نهاد‌های تحت نظارتشان نظر بدهند و این امکان نبایستی ایجاد شود که چرخه جادویی بانک‌ها، ناظران آنها، سازمان‌های ارزیابی مالی، بورس، خطمشی‌های تجارت الکترونیک و مدیران دارایی به سادگی خود را تقویت کنند و در مسیری جداگانه حرکت نمایند. ناظران همیشه باید از خود بپرسند که آیا بازارها و موسساتی که تحت نظارتشان است، تا حد امکان در زمینه توزیع دارایی‌ها منصفانه عمل می‌کنند یا خیر؟

ناظران بایستی در برابر "تسخیر نظارتی" - یا همان اولویت‌دادن به منافع شخصی در انجام امر خطیر نظارت - محتاطانه عمل کنند و نباید چنین وانمود کنند که برای تمامی مشکلات پاسخ و راه‌حلی دارند.

با وجود تمامی موارد مذکور، تجربه ۲۰ سال گذشته نشان داده است که نیروهای بازار، با وجود تمامی نقایصی که ممکن است داشته باشند، نسبت به طرح‌های سهمیه‌ای یا برنامه‌های پنج‌ساله دولتی، ابزارهای منصفانه‌تری برای توزیع دارایی هستند. در واقع، مصرف‌کنندگان و کارآفرینان کوچک، به عنوان پشتوانه بیشتر اقتصادها، بایستی به طور انفرادی یا با حمایت گروه‌های متخصص کاملاً سازمانیافته، به دیدگاه‌های جدید دست یابند. این گروه متخصص شامل افرادی است که در زمینه نحوه فعالیت سیستم مالی و تغییرات آن - هم از نظر تکنیکی و هم از نظر سیاسی - تجربه کافی دارند. اما دستیابی به این گروه‌ها نیز دشوار است، زیرا آنها از سوی نهادهای مالی، با عزت و احترام بسیار و با

پرداخت‌های عالی به خدمت‌گمارده می‌شوند. با وجود این، هنوز هم ردیابی از امیدواری وجود دارد: از سیستم نظارتی انعطاف‌پذیر آمریکا گرفته که با تمامی نقایصش به اندازه کافی در داخل کشور رقابتی و عاری از هرگونه تعصب در پذیرفتن تغییرات است، تا پیشرفت‌های حاصله در اروپا که منجر به خلق یک بازار مالی برای خدمت به عصر جدید اقتصاد شده است.

ظهور کمیته بال (Basel) یکی از مظاهر پیشرفت در این زمینه است. این کمیته متشکل از ناظران کشورهای ثروتمند، مدت ۲۰ سال وقت صرف کرد تا بتواند سیستم بانکداری مستحکمی را برپا کند. در اواسط دهه ۸۰، دلیل آنها برای این مهم، این بود که بانک‌ها شدیداً با کمبود سرمایه مواجهند و هرگونه سقوط در سیستم بانکداری ممکن است که کل سیستم مالی را به مخاطره اندازد. کمیته بال دارای چارچوب جدید و محتاطانه‌ای برای سرمایه است تحت عنوان بال ۲. این چارچوب بر مبنای سه اصل استوار است: اصل اول، کاملاً کمی است و میزان ریسک را در انواع متفاوت دارایی، مطابق با نرخ اعتباری شرکا تعیین می‌کند. البته تبلور این اصل به بانک‌های بسیار ماهر و پیشرفته‌ای بستگی دارد که بتوانند تخصیص سرمایه خودشان را محاسبه کنند. دومین اصل، ارزیابی مدیریت و عملکرد بانک‌ها توسط ناظران است، یعنی توسط کسانی که در این امر خطیر دارای مهارت و شایستگی کامل هستند. سومین اصل، افشاگری و آشکارسازی مالی و نظم بازار است، به طوری که به جرأت می‌توان گفت که اکنون ارزیابی عملکرد اخلاق و استانداردهای افشاگری کار دشواری است و ناظران بخش مالی بایستی نسبت به مسایل نگاهی دوسویه داشته باشند و از حدس و گمان در این زمینه بپرهیزند.

در کل، چارچوب جدید سرمایه بر مبنای ریسک در کمیته مالی تحت عنوان بال ۲، نقطه امید در این حیطه محسوب می‌شود و اصولی را پیرامون طریقه تخصیص سرمایه و همچنین میزان کفایت آن در برابر ریسک‌های متفاوت بیان می‌دارد و شامل عناصری برای ارزیابی بسیار کارشناسانه بانک‌هاست. اما اصل بنیادین کمیته بال هنوز هم در مدنظر همگان است: «یک بانک بایستی دارای سطحی از سرمایه باشد که بتواند از آن در برابر شوک‌های غیرمنتظره محافظت کند.» ناظران،

سازمان‌های ارزشیابی، تحلیلگران سهام و اقتصاددانان نیز بایستی سرمایه بانک را مهمترین معیار برای سلامت بانک در نظر بگیرند و در جهت حصول اطمینان از توان بانک‌ها و تقویت سیستم‌های بانکی در زمان‌های آتی همت گمارند.

### نتیجه‌گیری

پیوند سیستم‌های بانکداری ملی برای دستیابی به یک هویت بین‌المللی، در آینده‌ای نزدیک غیرممکن به نظر می‌رسد. ویژگی‌های محلی، غرور ملی و مداخلات سیاسی، هنوز به قوت خود باقی هستند و از این رو، مسیر نیل به یک انسجام بین‌المللی پرفراز و نشیب است. بانک‌ها مجموعه‌های مستقلی را برای شبکه‌های ملی مستقل‌شان سرمایه‌گذاری کرده‌اند و با وجود این که این فرایند در عصر ارتباطات الکترونیک قدیمی و کهنه به نظر می‌رسد، اما آنها تمایلی به از دست دادن این شبکه‌ها ندارند. فرضاً سیستم‌های پرداختی برای آنها بسیار سودآور هستند و اگر این مهم با سایر خدمات مثل مدیریت پول نقد، ارز یا حفاظت از اوراق بهادار ترکیب شود، نتایج آن متوجه بانک‌ها خواهد شد، و از این رو، آنها تمایلی به از دست دادن خدمات پرداخت ندارند، زیرا این خدمت به سادگی از بانکی به بانک دیگر قابل انتقال است.

**ناظران بانک‌ها به علت ترس از بروز ریسک سیستماتیک، سعی دارند تا در برابر رفتار رقابتی بانک‌ها محتاطانه و صورانه عمل کنند. آنها می‌دانند که اعمال هزینه‌های بالا روی پرداخت‌ها و استفاده از پول نقد مشتریان، منبع موثق درآمدی بانک‌هاست و از این رو، آنها تمایلی به از دست دادن آن ندارند.**

بدیهی است که نحوه اعمال کارمزد روی پرداخت‌ها در کشورهای مختلف، متفاوت است. فرضاً در فرانسه، انتقالات بانکی هزینه دارد، اما برداشت از سیستم خودپرداز بدون هرگونه هزینه‌ای در سراسر کشور صورت می‌گیرد. در مقابل، آلمان مخالف این امر صحیح است. در اینجا انتقالات بانکی رایگان است، اما برداشت از سیستم خودپرداز خارج از خود شبکه بانک، با دریافت کارمزد صورت می‌گیرد. این

عدم هماهنگی نیز تا حدودی تحقق هدف اتحادیه اروپا را در ایجاد انسجام مالی در سطح بین‌الملل به تعویق انداخته است.

مثال دیگر، روش غیرقانونی بانک‌های انگلیس، یعنی اضافه‌برداشت (Overdraft) است. بانک‌های انگلیس معتقدند که با این روش قادر هستند تا ریسک اعتباری ناشی از ناتوانی مشتریان در پرداخت بدهی‌هایشان را پوشش دهند و خدمات بانکداری ارزانتر را در اختیار پرداخت‌کنندگان خوب قرار دهند. این روش عملاً سود بسیاری را به بانک‌ها می‌رساند، اما در مقابل، می‌تواند به‌طور مرموزانه‌ای هزینه استقرار را دوبرابر کند، یعنی فرضاً از طریق وسوسه وام‌گیرندگان به افزایش وام و عدم توانایی بعدی آنها نسبت به بازپرداخت آن، عملاً لطامت شدیدی را به مصرف‌کنندگان خدمات مالی وارد می‌آورد. این چنین پیامدهایی خود می‌تواند یکی از علل تاخیر در ظهور رقابت بین‌المللی در سیستم‌های بانکداری باشد.

از سوی دیگر، مطالعات مختلف پیرامون رفتار مصرف‌کنندگان و مقررات مربوط به نقایص سیستم پرداخت در میان بانک‌های مختلف بر این امر تأکید دارد که بانک‌ها سعی دارند تا ظهور تکنولوژی‌های پرداختی را به تعویق اندازند. آنها می‌خواهند وضعیت موجودشان را حفظ کنند و به کسب سودهای ناوژه‌شان ادامه دهند. برای مثال، سوءاستفاده از کارت‌های اعتباری و اعمال کارمزد بسیار بالا بر روی خدمات مالی و همچنین فقدان رقابت در این زمینه، نوع بسیار کارآمدی برای پرداخت‌های بین‌مرزی است و می‌تواند منافع بسیاری را برای بانک‌ها و موسسات مالی غیربانکی به همراه آورد و در مقابل، رقابت را در بازارهای مالی خاموش کند.

در مقابل، ناظران بانک‌ها نیز به علت ترس از بروز ریسک سیستماتیک، سعی دارند تا در برابر رفتار رقابتی بانک‌ها محتاطانه و صورانه عمل کنند. آنها می‌دانند که اعمال هزینه‌های بالا روی پرداخت‌ها و استفاده از پول نقد مشتریان در زمانی که تحت بررسی قرار دارند، منبع موثق درآمدی بانک‌هاست و از این رو، آنها تمایلی به از دست دادن آن ندارند.

هم‌اکنون ایجاد تغییرات در این روش‌ها بایستی به عنوان گام نخست در نظر گرفته شود. ناظران بانک‌ها در مورد حصول اطمینان نسبت به شفافیت در عملکرد بانک‌ها نگرانی‌های بسیاری دارند. تمامی اینها بدان معناست که آنها بایستی نقش خود را مورد

بانک‌ها به عنوان عنصر اصلی در اقتصاد کشور، حرکت به سوی رقابت آزاد در عرصه بین‌المللی را به تعویق انداخته‌اند، اما در جهت نیل به این هدف نهایی چه باید اندیشید؟ این سوالی است که بایستی از سوی اقتصاددانان و ناظران سیستم بانکداری مورد توجه و بررسی بیشتر قرار گیرد تا برای آن راه‌حلی یافت شود، به نحوی که نه به سیستم بانکداری مستقل کشورها لطمه‌ای وارد آید و نه تحقق هدف ادغام بین‌المللی و جهانی‌شدن به تعویق افتد. ■

#### منابع

- 1) Indian Defence / A Survey of International Banking / The Economist / May 21, 2005.
- 2) Crusader Castles / A Survey of International Banking / The Economist / May 21, 2005.
- 3) The Usual Channels / A Survey of International Banking / The Economist / May 21, 2005.
- 4) Is greed good? / A Survey of International Banking / The Economist / May 21, 2005.
- 5) Open Wider / A Survey of International Banking / The Economist / May 21, 2005.
- 6) Don't start from here / A Survey of International Banking / The Economist / May 21, 2005.

بازنگری قرار دهند. شاید بهتر آن باشد که ناظران بانکی به تشویق ارائه‌دهندگان خدمات اصلی و بازچرخانندگان ریسک مبادرت ورزند و در همان حال نیز بیشتر کسب و کارهای سنتی بانک‌ها را به رقابای غیربانکی محول کنند. همچنین آنها بایستی صنعت بیمه و صندوق‌های بازنشستگی را هم تحت‌نظارت بیشتری قرار دهند.

طرفداران و مخالفان ادغام بانکی میان‌مرزی به این نکته اشاره دارند که رقابت قوی میان بانک‌های داخلی و خارجی، مثل یک شمشیر دولبه است که هم می‌تواند مفید و کارآمد باشد و هم ناکارآمد. همچنین، مالکیت خارجی بانک‌های محلی ضرورتاً همیشه کار خوبی نیست و در برخی مواقع، ممکن است برای کنترل داخلی بانک‌های محلی بزرگ دلایل قانع‌کننده‌ای وجود داشته باشد. درواقع، اینگونه به نظر می‌رسد که فعالیت‌های اصلی بانک‌ها از قبیل سپرده‌پذیری، ارایه اعتبارات و کنترل سیستم پرداخت‌ها، از چنان اهمیت بالایی برخوردار است که نمی‌توان آنها را در وادی رقابت آزاد به حال خود واگذار نمود.

در آخر می‌توان گفت که فقدان رقابت در زمینه عملیات نوین بانکی مثل کارت اعتباری و یا سیستم‌های پرداختی بین‌المللی، همچنین بانکداری شعبه‌ای، تمرکز سهم بازار در میان تعداد معدودی از بانک‌های بزرگ، فقدان اطلاعات مشتریان در مورد شقوق مختلف و سرانجام، ترس دولت‌ها از واگذاری

## خواننده ارجمند!

**سیستم اشتراک، تعهد ما را نسبت به شما افزایش می‌دهد و شما هم از طریق اشتراک مطمئن خواهید شد که مجله را در محل کار یا منزل خود دریافت خواهید کرد.**

**برای استفاده از خدمات سیستم اشتراک، با تلفن شماره ۸۸۹۵۱۳۲۹ تماس بگیرید.**